



بزرگوار، حجة الحق، حاج شیخ «محمد واصف» است؛ انسانی شکوهمند و وجودی پرمهر که با دانش گسترده، قریب به نیم قرن زینت بخش مجالس علم و تحقیق بود.

تولد و تحصیلات

آن فقید سعید، به سال ۱۳۰۵ (ه.ش) در یکی از دهات شهرستان آستانه اشرفیه و در خانواده‌ای متدین و کشاورز متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در لاهیجان به انجام رساند. پدرش یکی از خرده مالکان منطقه بود و در عین داشتن ثروت، از نعمت ایمان و عشق به اهل بیت نیز

هدف از نگارش این سطور؛ صرفاً شرح حال نویسی و احوال نگاری نیست؛ بلکه غایت هدف، الگوپذیری از زندگی چهرهای خدمتگذار و مبلغان با اخلاص - که همه عمرشان را صرف مجاهدت خالصانه در راه دین اسلام و مکتب پویای جعفری نموده‌اند و همچنان قدر و منزلت آنان ناشناخته باقی مانده - می‌باشد. بی‌شک آگاه ساختن جامعه و توده‌های مردم، از مقام والای این گمنامان تاریخ فواید بسیاری دربر خواهد داشت. یکی از این گمنامان جهان تشیع؛ علامه

۵. حضرت آیت الله گلپایگانی رحمته

۶. حضرت آیت الله مرعشی

نجفی

۷. حضرت آیت الله میرزا هاشم

آملی

۸. حضرت آیت الله بهجت (دامت

برکاته)

۹. علامه سید محمد حسین

طباطبائی

تلمذ و سپری نمود.

وی از برخی از اعلام یاد شده،

مجوز اجتهاد کم نظیری دریافت

نموده است.^۱

آیت الله واصف از منظر بزرگان

درباره اوصاف و کمالات این

دانشمند فرزانه، از سوی بزرگان و

شخصیتهای دینی اظهار نظرهای

مختلفی شده است که برخی از آنها را

ذیلاً می آوریم:

* حضرت آیت الله العظمی حاج

میرزا هاشم آملی بارها در مجامع

عمومی و خصوصی به طلاب و فضلا

می فرمودند:

۱. مصاحبه نگارنده با فرزند آن مرحوم دکتر

جعفر واصف.

برخوردار و ملجاء و پناهگاه محرومان

منطقه بود. در منزل این مرد بزرگ - در

اغلب ایام سال - مجالس روضه خوانی

منعقد و بهترین و عاظم منطقه در آنجا

رفت و آمد داشتند. مرحوم واصف با

تشویق پدر و روحانیون منطقه، بعد از

اتمام تحصیلات متوسطه، وارد حوزه

علمیه قم گردید.

در ابتدای ورود به حوزه علمیه قم

با مرحوم آیت الله حاج آقا مصطفی

خمينی رحمته آشنا شد و در کنار ایشان

مقدمات را نزد مرحوم آیت الله شیخ

علیرضا مومنجاد و آیت الله حاج شیخ

جعفر سبحانی از مدرسین به نام حوزه

علمیه قم به تلمذ و مباحثه پرداختند.

حضرت آیت الله حاج شیخ محمد

واصف، بعد از طی کردن سطوح

متوسطه، خارج فقه و اصول را در

محضر آیات بزرگواری؛ همچون:

۱. حضرت آیت الله بروجرودی رحمته

۲. حضرت امام خمینی رحمته

۳. حضرت آیت الله سید مرتضی

لنگرودی رحمته

۴. حضرت آیت الله محقق

داماد رحمته

کفایة الاصول را به نظم درآورد. او آدم بسیار صدیق و پاکی بود و به اهلیت علیه السلام علاقه مند بود.

آن مرحوم صاحب سرمایه معنوی و علمی بود که بروز آن چنانی نداشت، گرچه تنوع آثارش، گواه روشنی است. یکی از ویژگیهای آن مرحوم این بود که در زندگی، خودکفا بود و از دست رنج خود ارتزاق می کرد. علمای زاهد و وارسته کسانی بودند که در عین عالم بودن، تلاش می کردند از سهم امام مصرف نکنند. از نظر بار بر روحانیت اسلام زحمت و مؤنه نداشت و در عین حال بیشترین کمک را هم می کرد. حقاً عاش سعیداً و مات سعیداً^۲.

آقای صادقی (واعظ قم) از قول آیت الله سبحانی گفتند: «آقای واصف؛ شیخ بهائی عصر ما بود، ولی قدرش ناشناخته ماند.»^۳

* حضرت آیت الله حاج سید

«آقای واصف؛ مغزی متفکر است و خوب است از افکار بلند ایشان، طلاب، محصلین و فضلا استفاده نمایند.»^۱

* حضرت آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی (دامت برکاته) در مورد ایشان می فرماید:

«درباره مرحوم حجة الحق جناب آقای واصف، همین قدر بس که من ایشان را از پنجاه سال پیش در حالی که یک طلبه نوجوانی بود، در حوزه علمیه قم شناختم. ایشان و فرزند مرحوم حضرت امام علیه السلام جناب حاج آقا مصطفی علیه السلام با هم رفیق و دوست بودند و به خاطر دوستی که با ایشان داشت - و مرحوم حاج آقا مصطفی پیش من درس می خواند - سبب شد که ایشان هم پای درس منطق شمسیه ما بیاید.

پس از درس هم رابطه دوستی ما برقرار بود. من در مدت دوستی ام با ایشان چیزی که لمس کردم یک جهان استعداد بود، خصوصاً استعداد ادبی و ذوق شعری! هر موضوعی را که برای ایشان معین می کردیم یک قصیده کامل و تمام می سرود و بعدها دوره کامل

۱. از وادی خاموشان، صص ۳ و ۴، نویسنده:

جعفر سعیدی.

۲. همان.

۳. به نقل از دکتر واصف.

کار داشته باشم. استاد حضرت آیت الله واصف، ضمن اطلاع از این وضعیت من، از محل صوم و صلاة کمک نمود و من توانستم با حمایت ایشان به تحصیلاتم ادامه دهم.^۲»

* آیت الله شیخ محمد شریف رازی رحمته الله علیه - مورخ معاصر - درباره ایشان می نویسد:

«علامه واصف گیلانی از دانشمندان وارسته و فضلاء برجسته، عالمی فاضل و نویسنده‌ای کامل و دارای مقام علم و تقوا و ملکات فاضله و اخلاق حسنه است.^۳»

آثار و خدمات اجتماعی

۱. تأسیس بیمارستان حضرت ولی عصر: ایشان در زمان آیت الله بروجردی با همکاری و همیاری مردم منطقه، موفق شد بیمارستان صاحب الزمان را در یکی از روستاهای محروم آستانه اشرفیه، با همه امکانات لازم، احداث نماید. حتی برخی از مراجع

محمد مهدی مرتضوی لنگرودی، از علماء قم (سلمه الله) درباره آن مرحوم می فرماید:

«...معظم له در علوم و معارف دینیّه مانند علم صرف، نحو، منطق، معانی و بیان، بدیع، عروض، حساب، هندسه، جغرافیا، اصول و فقه ورود کامل داشت و در اغلب؛ بلکه تمام این علوم، تألیف و یا تصنیف داشت و می توان گفت که این مرد علم و دانش، از نوابغ عصر خویش به شمار می رفت...^۱»

* مرحوم آیت الله واصف با همه اشتغالات علمی و تراکم کارهای عام المنفعه از حال و روزگار طلاب و هموعان خود غافل نبود، در این باره حضرت آیت الله حاج شیخ زین العابدین قربانی، نماینده ولی فقیه در استان گیلان و امام جمعه رشت که مدتی در محضر معظم له تلمذ می نمود، می فرمایند:

«در ایام تحصیل در حوزه علمیه قم، به قدری از لحاظ مالی در مضیقه بودم که ناچار تصمیم گرفتم از حوزه بیرون روم و در کارخانه‌ای اشتغال به

۱. از وادی خاموشان، صص ۳ و ۶.

۲. همان.

۳. گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، صص ۳۰۰-۲۹۹.

سوی شهرداری آنجا، ساخت مسجد متوقف شد.

وی به علت برخورداری از قدرت جاذبه اجتماعی، محبوبیت زیادی کسب کرده به طوری که جلسات علمی، حتی مجالس روضه در منازل مسلمانان و شیعیان مقیم آلمان، از رونق خاصی برخوردار بود. معظم له در مدت اقامت خود در آلمان که بیش از دو سال طول کشید موفق به انتشار بیش از ۱۰۰ جزوه علمی و دینی در ابعاد مختلف گردید.

۳. ساختن مسجد: آن فقید سعید، در ماه رمضان یکسال، برای تبلیغ به روستایی محروم در اطراف اصفهان می‌رود و در آنجا متوجه فقر فرهنگی و مادی مردم منطقه می‌شود؛ لذا با همت عالی و اراده پولادین، اقدام به ساختن مسجدی زیبا و بزرگ در آنجا می‌کند. تا یک سال در آن منطقه محروم اقامت می‌گزیند و به تعلیم احکام و مسایل اسلامی برای مردم آن سامان می‌پردازد. وی در این راه، زحمات زیادی متحمل می‌گردد.

۴. تأسیس چاپخانه اسلام: ایشان با

بزرگوار قم در این امر خیر، او را تشویق و مساعدت نمودند. اما قبل از آغاز فعالیت، این بیمارستان به دستور شاه خائن مصادره و به طور کلی تخریب شد و در همان مکان بیمارستانی به نام «بیمارستان شاه» تأسیس گردید! علت این اقدام شاه؛ کاهش قدرت و محبوبیت روحانیت نزد مردم بود.

۲. فعالیت در آلمان: آیت الله و اصف

گیلانی در سال ۱۳۵۰ (ه.ش) به عنوان نماینده حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی به کشور آلمان اعزام شد و در شهرهای فرانکفورت و اشتوتگارت، پاسخ‌گویی به نیازهای علمی، معنوی و دینی مسلمانان و خصوصاً ایرانیان آنجا را به عهده گرفت. او با همکاری برخی از تجار مسلمان ایرانی و غیرایرانی برای وحدت و انسجام مسلمانان و نیز ارتقای سطح دینی و معنوی آنان، گام‌های مؤثری برداشت.

برای ساختن مسجدی در فرانکفورت اقدامات جدی صورت گرفت، ولی متأسفانه با ایجاد موانعی از

تأسیس این چاپخانه در سال ۱۳۳۷ (ه.ش) موفق شد بسیاری از آثار اسلامی و کتب ارزشمند بزرگان دین و کتابهایی را که خود تألیف کرده بود، چاپ و منتشر کند. خدمات فرهنگی گسترده وی، در این ایام شروع و تا پایان عمر ادامه یافت. معظم له با فطانت و زیرکی خاصی، اعلامیه‌های سیاسی دوران خفقان رژیم را چاپ و به همین خاطر بارها دستگیر و چاپخانه نیز تعطیل گردید.

۵. **تالیفات سودمند:** آیت الله و اصف گیلانی به دلیل برخورداری از معلومات گسترده، روحیه تحقیق و تتبع، ذوق سرشار، قلم شیوا و توانمند، در طول عمر گرانقدرش دو بیست جلد اثر نفیس و ارزشمند از خود به یادگار گذاشت. مجموعه آثار ایشان به چهارگونه تقسیم می‌شود:

۱. تالیفات و تصنیفات؛

۲. دیوانهای مختلف شعر در موضوعات متنوع؛ شامل چندین دیوان اشعار بی‌نقطه، چندین دیوان اشعار بی‌الف، اشعار لب‌نچسب (هنگام خواندن لبها به هم نمی‌رسد)،

مدایح، مراثی، ...؛

۳. **أرجوزها و رسالات گوناگون؛**

۴. **ترجمه آثار بزرگان و تقریرات**

درسی.

حافظه قوی و ذوق هنری وی، باعث گردید تا در سن ۲۱ سالگی، منطق را به نظم درآورد و به نام «کفایة المیزان» خدمت آیت الله بروجردی تقدیم نموده و مورد تشویق و تحسین فراوان وی قرار گیرد. اشعار او در پنج زبان فارسی، عربی، ترکی، گیلکی و کردی نگاشته شده است.

با کمال تأسف باید یادآوری کرد که بسیاری از دیوانها و تالیفات، خصوصاً اشعار بی‌نقطه و بی‌الف وی، در اثر آتش سوزی منزل مرحوم آیت الله مهدوی در لاهیجان - در سال ۱۳۶۷ شمسی - از بین رفت.

برخی از ویژگیهای اخلاقی

معظم له

الف. اخلاص در تبلیغ:

وی با این معلومات گسترده و اشتغالات علمی، هیچ‌گاه تبلیغ و منبر را فراموش نکرد و اکثر اوقات عمرش را در همان روستای کوچک که زادگاه

آن، تحت عنوان «فی هامش علم الامام» که به علم امام اختصاص یافته بود، مورد استقبال گسترده حوزویان و دانشجویان قرار گرفت و تحسین و تشویق آنان را برانگیخت.

با توجه به اوج فعالیت‌های کمونیستی حزب توده - سالهای ۱۳۲۸ و ۲۹ ه.ش - که با تبلیغات گسترده خود، در شمال ایران، موجب شده بود تا مردم و خصوصاً جوانان بسیاری جذب این حزب شوند؛ آیت الله و اصف که خود را مرزبان و حافظ مرزهای فکری و عقیدتی می‌دانست، سکوت در برابر عقاید الحادآمیز حزب توده را روان‌دانست و به مقابله با آنان پرداخت. او علاوه بر آگاهی بخشیدن به مردم در منابر، برای قشر جوان و تحصیل کرده کتابی تحت عنوان «احراق لانه‌های فساد» تألیف کرد که این کتاب نیز با استقبال کم‌نظیری مواجه شد؛ زیرا در این کتاب با شواهد و استدلال‌های عقلی و منطقی، اندیشه‌های حزب توده به خوبی نقد و ابطال و اهداف پلید و استعماری پدیدآورندگان آن با قلمی

وی و پدران و اجدادش بود به وعظ و ارشاد مردم مشغول بود. ایشان در پاسخ به کسانی که به وی گفته بودند: «در شأن شما نیست منبر بروید» فرموده بودند: «من که کسی نیستم، بسیاری از فقهاء و بزرگان شیعه به منبر رفتن شان مباحات می‌کردند.» و نیز در پاسخ به کسانی که می‌گفتند: «لااقل در شهر منبر بروید» می‌فرمودند: «ادای تکلیف شهر و روستا نمی‌شناسد.»

آن فقید سعید، در حالی به تبلیغ اهمیت می‌داد که از وضع مالی و معیشتی مناسبی برخوردار بود و نیازهای مادی، او را به این مسیر سوق نداده بود. او به تبلیغ به عنوان امر عبادی می‌نگریست و از این رو، تا آخر عمر بابرکتش، آن را رها نکرد.

ب. دفاع از مرزهای عقیدتی:
در سالیانی که کتاب «شهید جاوید» چاپ و برخی از مطالب موهن آن، اعتراض گروهی از علماء را برانگیخته بود؛ آیت الله و اصف به دور از هیاهو، دست به قلم برد و سه جلد کتاب درباره زندگانی حضرت سید الشهداء علیه السلام نگاشت. به ویژه یک جلد

**وی با این معلومات گسترده
و اشتغالات علمی، هیچ‌گاه
تبلیغ و منبر را فراموش
نکرد و اکثر اوقات عمرش را
در همان روستای کوچک که
زادگاه وی و پدران و
اجدادش بود به وعظ و
ارشاد مردم مشغول بود.**

ج. عشق ورزی به خاندان عصمت و

طهارت علیهم‌السلام:

آیت الله واصف، عشق و علاقه
توصیف ناپذیری نسبت به خاندان
عصمت و طهارت داشت. دکتر جعفر
واصف در این باره می‌فرماید: «در سفر
آلمان یک شب بنده به همراه ایشان به
مناسبت شب قدر به مسجد هامبورگ
(مسجد آیت الله بروجردی) رفتیم،
جمعیت فراوانی در آنجا حضور

شیوا و محکم تبیین شده بود.
همچنین ایشان مجوز نشریه‌ای به
نام «راه نجات» را در دهه بیست
شمسی اخذ کرد، ولی به علت مخالفت
عوامل دولتی؛ عدم حمایت و استقبال
حوزه و حوزویان، هزینه زیاد و
امکانات مالی اندک، این نشریه بعد از
دو شماره تعطیل گردید.

او در چاپخانه «نشر اسلام» در
بجوه قیام حضرت امام راحل علیه‌السلام با
وجود مراقبت و نظارت شدید دستگاه
امنیتی ساواک، به چاپ و نشر
اعلامیه‌های حضرت امام و سایر
بزرگان اقدام می‌ورزید. شدت
سختگیری عوامل حکومتی به حدی
بود که ایشان خدمت حضرت امام
می‌رسد و اظهار می‌دارد: «ما برای
چاپ اعلامیه خیلی در فشار هستیم،
وظیفه من چیست؟» حضرت امام
پاسخ می‌دهند که: «من راضی نیستم که
شما آقایان خودتان را به خاطر من به
زحمت بیندازید.» این جمله امام، عزم
او را استوار می‌سازد که تا آخر
مبارزات ملت مسلمان به چاپ و
توزیع اعلامیه‌ها ادامه دهد.

داشتند. سخنران که یکی از شخصیت‌های نظام بود مشغول سخنرانی شد و خیلی خوب سخنرانی کرد. پس از جلسه دیدم آیت الله والد با ناراحتی فرمود: من به این سخنران گفتم خوب سخنرانی کردید، ولی سخنی از مظلومیت علی علیه السلام به میان نیاوردید! چرا باید علی علیه السلام در شبی که متعلق به اوست مظلوم واقع شود؟»

حساسیت آیت الله واصف به این نکته نشانه ارادت و علاقه عمیق وی به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله است.^۱
د. عشق به امام خمینی ره:

وی به امام راحل عشق می‌ورزید و همواره صلابت، استواری، غیرت، دین‌مداری، تقوا، هوشمندی، زیرکی و مبارزه بی‌امان و مقدس او را می‌ستود. او درباره امام اشعار زیادی سروده است که اگر این سروده‌ها جمع‌آوری گردد، دیوان بزرگ و قطوری تدوین می‌شود.

نمونه‌ای از اشعار بی‌نقطه وی درباره امام ره چنین است:

هرکس که در دل مهر روح الله دارد

مهر رسول الله صلی الله علیه و آله را همراه دارد

آسوده گردد هر که دارد مهر احمد
مهر علی و مهر آل الله دارد
هرکس که دارد مهر روح الله در دل
مهر علی و مهر آل الله دارد
او عالم و او اعلم و هم او معلم

او علم سیر الله را در راه دارد^۲

تألیفات:

۱. پول حلال چیست؟ ۲. درایة الحدیث ۳. زبدة الاصول ۴. البوّة الصغیرة فی الشیمی (منظومه‌ای است عربی در علم شیمی) ۵. دروس العقاید ۶. بیت الاحزان عاشقان ۷. اسرار دخترکشی عرب در جاهلیت ۸. علم و عالم از نظر اسلام ۹. خورشید ولایت ۱۰. انقلاب مقدس حسین علیه السلام ۱۱. زکات در اسلام ۱۲. شواهد الولاية ۱۳. عدالت و گناه ۱۴. اسرار الشهادة ۱۵. هنر مذهب در خدمت خلق ۱۶. فاطمه زهرا علیها السلام از نظر روایات اهل سنت ۱۷. فاطمه زهرا علیها السلام از نظر قرآن ۱۸. منظومة فی تحقیق الارادة ۱۹. رساله الحب و ما ادراك ما الحب

۱. مصاحبه نگارنده با دکتر واصف و حاج شیخ باقر واصف.

۲. دیوان واصف، ج ۴، ص ۱۰۸.

اراضی ۴۴. عدالت گستر معجزه می‌کند ۴۵. در راه حق چه کار کرده‌ایم؟ ۴۶. الفلثات ۴۷. بشر و آزادی ۴۸. موثق الرجال ۴۹. عفت در خانواده ۵۰. اثبات معاد و...

وی برخی از کتب خود؛ همانند ارث، حج، رضاع، صرف، نحو، موثقات الرجال و... را به صورت شجری تدوین کرده است.^۱

آیت الله واصف، پس از عمری تلاش و مجاهدت خستگی‌ناپذیر در راه خدمت به اسلام و به‌جاگذاشتن آثار حسنه و تحمل مشقات و رنجهای فراوان، در سحرگاه روز چهارشنبه ۲ آبان ۱۳۷۵ (ه.ش) دار فانی را وداع و در روز پنجشنبه بیکر پاکش از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام در قم تا حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام تشییع و حضرت آیت الله بهجت (دامت برکاته) بر او نماز گذارد، سپس در قبرستان ابو‌حسین قم بخاک سپرده شد.

«عاش سعیداً ومات حمیداً»

۱. نگارنده بیش از ۲۱۰ اثر از این مؤلف را فهرست و تنظیم و گردآوری نموده است.

او به تبلیغ به عنوان امر عبادی می‌نگریست و از این رو، تا آخر عمر بابرکتش، آن را رها نکرد.

۲۰. فی توصیف العلم الحضوری
۲۱. رموز علم انساب ۲۲. الاریعون
برهاناً علی ابطال التسلسل ۲۳. اثر دعا
و زیارت ۲۴. شیعه در انتظار عدالت
جهانی ۲۵. طناب الغیبه ۲۶. ترس و
احکام تقیه ۲۷. رساله الانسان و اللحیه
۲۸. تجدد و عوام فریبی ۲۹. تاریخ
کشفیات و اختراعات ۳۰. اندیشه‌های
نوابغ ۳۱. شمع الجمع فی نعت الائمه
الاطهار ۳۲. حقایق گفتنی ۳۳. دُرر
الاعلال (بی نقطه) ۳۴. الفلک المستبدع
۳۵. شجره طوبی ۳۶. الفیه (منازل
سلوک الی الله) ۳۷. یادی از گذشته
۳۸. منافع مطلق ۳۹. رساله فی علم
الاجتماع ۴۰. از دل تا کربلا و از کربلا تا
دل ۴۱. حدیقه الرموز ۴۲. سیمای
اخلاق اسلامی ۴۳. احکام حقوق و